



تاریخ
۱۳
دی
۱۳۹۷
پنج‌شنبه

سخن بزرگان

در دنیا جای کافی برای همه هست پس بجای اینکه جای کسی را بگیری سعی کن جای خودت را پیدا کنی.

چارلی چاپلین

صفحه
۵
شماره
۲۴۲۱
سال
بیست و چهارم

گوناگون



آرامش گورستانی برای شان بی‌معناست

بعد از گذشت دقایق تابوت آن مرد جوان بر دوش نزدیکانش از در غسلخانه خارج شد و به سمت قبری که احتمالاً رحیم و همکارانش انتظارش را می‌کشیدند حرکت داده شد.

با غسل جوان دارالرحمه شیراز روی یکی از نیمکت‌های محوطه بیرونی نشسته و گپ‌وگفتمان را ادامه دادیم.

زارع ادامه داد: انواع مرگ‌های متأثر از حوادث مختلف را برای گروه‌های سنی مختلف از نوزاد گرفته تا جوان و پیر مشاهده کرده‌ام و این مسئله باعث شده دیدی متمایز از سایرین نسبت به زندگی و مرگ داشته باشم. او با اشاره به اینکه اکنون سه مرد غسل در این محل مشغول کار هستند می‌گوید که چون جایگزینی برای غسل‌های دارالرحمه شیراز وجود ندارد آنها نمی‌توانند مرخصی بگیرند و برای این کار باید با دو همکار دیگر هماهنگی کنند که به‌جای آنها در غسلخانه حضور پیدا کنند.

به کارم افتخار می‌کنم

رضا در ادامه می‌گوید که عاشق کارش است و روز اول با خود کنار آمده که یک مرده‌شور است و امیدوار است که مردم نیز با شغل او کنار بیایند و سادی را از جامعه جدا کنند.

غسلان زن عجیب نیستند

به نظر بسیاری از مردم کار کردن زنان خارج از منزل و آن هم در محیطی مانند قبرستان و غسلخانه باید عجیب باشد؛ اما خانمی میانسال که یکی از غسلان دارالرحمه شیراز است کارش را عجیب نمی‌داند و حتی آن را نیز دوست دارد.

خانم زارع بانویی ۵۸ ساله و باسابقه‌ترین زن غسل دارالرحمه شیراز است که می‌گوید: حدود ۲۰ سال است که در این محل مشغول کار هستم، در ابتدا زمان شروع کار به دلایل مالی و اینکه سرپرست خانواده بودم به‌اجبار این کار را انتخاب کردم و از آن نیز وحشت داشتم اما با مرور زمان برایم عادی شد.

زنده‌ها ترسناک‌ترند

او با اشاره به اینکه اکنون کارش را دوست دارد می‌گوید که در حال حاضر از مرده‌ها نمی‌ترسد؛ بلکه تنها رفتار بعضی زنده‌ها آزارش می‌دهد. او ادامه داد: روزی در حال غسل دادن جنازه یک خانم میانسال بودم که دستم به جوانی که بعداً فهمیدم فرزند آن خانم بود خورد، علیرغم غیرعمریدی بودن این ماجرا رفتار ناشایستی از سوی آن جوان سر زد و او ادعا کرد که نماز می‌خواند و با تماس دست من به بدن او، نجس شده است و آنجا بود که دلم واقعاً شکست!

خانم زارع گفت: از مسئولان تقاضا دارم با توجه به‌سختی کار و شرایط اجتماعی و روحی و روانی خاص این شغل به وضعیت معیشتی ما توجه بیشتری کنند و این شغل را جزو مشاغل سخت و زیان‌آور بشمار آورند.

شغلم را به کسی نمی‌گویم

زن جوانی که یکی از غسل‌های دارالرحمه شیراز است و نمی‌خواهد نامش برده شود می‌گوید: دیدگاه جامعه نسبت به شغل غسالی بسیار بد است و از ترس نگاه بد مردم به مردم به کسی نمی‌گویم که چه شغلی دارم.

این زن اشاره می‌کند: در طول روز با شهروندان در اتوبوس، تاکسی صف نانوائی و… برخورد و گفت‌وگو دارم اما همین‌که آنها بلداند من یک غساله هستم از من فاصله می‌گیرند.

او افزود: متأسفانه علیرغم اینکه شغل ما به لحاظ دینی جزو مشاغلی است که مستحب است و ثواب بسیاری نیز دارد، برخی افراد با بی‌احترامی یا ما برخورد می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که کار ما در زندگی شخصی‌مان تأثیرات منفی بسیاری دارد.

عده‌ای برای غسل دادن جنازه مادرشان از راه می‌رسند که این دو زن غسل برای شست‌وشوی آن خدمات‌افزای می‌کنند.

درحالی‌که از غسلخانه دارالرحمه شیراز فاصله می‌گرفتم با خود فکر می‌کردم که دلیل این‌همه دوری چیست؟ دوری از انسان‌هایی که کاری می‌کنند کارستان، کاری که هیچ‌کدام از ما حاضر به انجام دادش نیستیم و این انسان‌ها علیرغم همه ناملایمات نقش مهمشان را هرروز به‌خوبی ایفا می‌کنند.

از دارالرحمه شیراز که صدای شیون و زاری تنها ملودی ثابت این محیط است خارج می‌شوم و غسل‌ها و تدفین‌کننده‌های این مجموعه می‌مانند و صاحبان جنازه‌ها، قشری که همه سهم‌شان از این کار، غضب و دوری

میتی دیگر را تدفین کند. او در طول مسیر از مشکلات زندگی‌اش‌گفت و اینکه از آمدنی که دارد کفاف زندگی خود و خانواده‌اش را نمی‌دهد و اینکه امید دارد در استخدام دارالرحمه شیراز درآید.

دراین‌بین با گروهی هم مسیر شدیم که لا اله الا الله گویان تابوتی را بر روی دستانشان حمل می‌کردند و بعد فهمیدم این‌ها نیز به سمت قطعه ۱۳ دارالرحمه شیراز در حرکت‌اند تا عزیزشان را به دست رحیم بشپارند تا او را دفن کنند.

به‌همراه این گروه مسیرمان را ادامه دادیم و در میان شیون و ناله این افراد رحیم حرفش را ادامه داد و گفت: در این مدت بارها نزدیکان و آشنایان خود را نیز دفن کرده و سر قبر آنها گریسته‌ام.

او می‌گوید که همه امی‌دش به همین مابالی اندکی است که همراهان میت به او پرداخت می‌کنند چون هنوز حقوقی بابت این کار دریافت نمی‌کند.

نگاه مردم آزار دهنده است

در این حین به قطعه ۱۳ دارالرحمه شیراز رسیدیم و رحیم خود را آماده دفن میتی دیگر کرد و در پایان از بعضی رفتارها گلایه‌مند بود و گفت: دید جامعه نسبت به مشاغلی که با مرده ارتباط دارد مناسب نیست و مردم سعی می‌کنند با این قشر ارتباط نداشته باشند که این بسیار آزاردهنده است و توقع داریم مردم ارزش کار و خدمتی که ما به جامعه ارائه می‌دهیم را بفهمند و همان‌طور که ما در طول کار مردم را مراعات می‌کنیم آنها نیز در جامعه ما را درک کنند و از داشتن ارتباط با ما واهمه نداشته باشند.

آرامش در حضور دیگران

بعد از گفت‌وگو با رحیم جوکار به سمت غسلخانه دارالرحمه شیراز حرکت کردم در ورودی محوطه غسلخانه مردی با روپوش سفید و چکمه‌ای پلاستیکی، دستکش و ماسکی بر صورت به سمتم آمد و با لحنی آشنا گفت چطوری خبرنگار؟

ماسکش را که برداشت شناختمش همان غسالی بود که سال گذشته زمانی که برای تهیه گزارش به این محل آمده بودم نخست با او آشنا شدم همان کسی که رفتار و چهره آرامش با دیگران که در این محل حضور داشتند متفاوت و با آرامشی عجیب در حال پاره پاره کردن پارچه سفید کفنی بود، او یکی از غسل‌های دارالرحمه شیراز است.

بعد از گپ‌وگفتی چنددقیقه‌ای از او خواستم که دوباره از سختی‌های کارش بگوید.

مردم از غسل‌ها فراری‌اند

رضا زارع گفت: متأسفانه بعضی از مردم از غسل‌ها فرار می‌کنند و به‌محض اینکه بلداند شغل ما غسل دادن میت است از ما فاصله می‌گیرند که این وضعیت حتی در برخی روابط خانوادگی و فامیلی ما نیز تأثیر دارد به‌گونه‌ای که از زمانی که در این شغل مشغول به کار شده‌ام برخی اقوام و خویشاوندان با ما قطع رابطه کرده‌اند.

به نظر رضا در حال آماده کردن وسایل موردنیاز برای غسل دادن میت بعدی بود چون همان لحظه تابوتی از پنجره کوچکی که ربلی سرسره شکل در امتداد آن بود داخل شد. او در این هنگام فرصتی خواست تا کارش را انجام دهد و دوباره برای گفت‌وگو بازگردد.

به همراه یکی از همکارانش دو سر کاوری سبزرنگ که داخل تابوت روی یکی از دو سکوی موجود در سالن غسلخانه قرار داد تا فردی دیگر برای دفن آماده شود.

زمانی که زیپ کاور توسط رضا گشوده شد جنازه مردی قوی‌هیکل و نسبتاً جوان از میان آن نمایان شد و در همان لحظه آشنایان و اقوام این مرده جوان نیز از دری که در گوشه دیگری از این سالن قرار دارد شیون و زنان وارد شدند و به‌یک‌باره فضای آرام غسلخانه جای خود را به ناله و فریاد داد.

ترجیح دادم بیرون از سالن غسلخانه منتظر بمانم هرچند که محوطه بیرونی نیز دست کمی از داخل نداشت و جمعیتی بیش از ۶۰ نفر منتظر ایستاده و یا بر دیواری تکیه و یا روی نیمکت‌هایی رنگ‌بافته نشسته بودند.

فضایی آغشته از غم و اندوه که گاهی فریاد زنی افکار همه را پاره می‌کرد، برخی نیز سردر گریبان برده بودند و عده‌ای نیز خاطرآنتشان را با صدای بلند مرور می‌کردند درحالی‌که پنهای صورتشان را اشک احاطه کرده بود.

روزنامه طلوع آگهی و مشترک می‌پذیرد <p>۴۲۲۲۹۲۴۶ – ۳۲۳۴۴۷۷۲</p>

آگهی مفقودی

برگ سبز متعلق به سواری پراید به شماره موتور ۳۳۵۳۹۱ و شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۸۱۰۰۵۹۳ و شماره پلاک ۴۸-۶۲۸-۳۴د به نام روح اله سرخوش مفقود شده و از اعتبار ساقط می باشد.

۷/۱۶۳۵

آگهی مناقصه یک مرحله ای نوبت اول

شهرداری تشان در نظر دارد به استناد موافقتنامه شماره ۵۲۱۰۲۳ طرح شماره ۰۶۶ ض ۱۵۰۲۰۰۱ اجرای پروژه ایجاد و توسعه فضای سبز شهر تشان را از طریق مناقصه به شرکت های اینیه واگذار نماید.

ردیف	نوع مناقصه	عنوان پروژه	میزان تضمین شرکت در مناقصه	مهلت توجیهی	جلسه توجیهی	مهلت تحویل پیشهادات	زمان بازگشایی	محل توزیع اسناد
۱	عمومی یک مرحله ای	ایجاد و توسعه فضای شهر تشان	۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۹۷/۱۰/۱۳ الی ۹۷/۱۰/۱۹	۹۷/۱۰/۲۴	پایان وقت اداری ۹۷/۱۱/۳	ساعت ۱۶ مورخ ۹۷/۱۱/۶	استان خوزستان- شهرستان پهبهان- شهرتشان- شهرداری تشان

۱- شهرداری تشان در قبول یا رد هریک از پیشنهادات مختار است.

۲-متقاضیان واجد شرایط می توانند صرفا در مهلت مقرر با در دست داشتن معرفی نامه از شرکت و اصل فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به طور جداگانه به شماره حساب ۲۱۷۰۰۹۲۶۸۰۰۴ بنام تمرکز درآمد متفرقه خزانه معین خوزستان جهت دریافت اسناد مناقصه واریز نمایند.

۳- تضمین شرکت در مناقصه واریز وجه نقد به حساب شماره ۵۶۳۹۰۷۱۳۲۲۴۴۹۶۳/۰۲ شهرداری تشان نزد پست بانک و یا ضمانتنامه بانکی معتبر با حداقل سه ماه اعتبار می باشد.

۴- شرکتها باید گواهینامه ارزش افزوده را نیز همراه با پیشنهاد قیمت ارائه نمایند.

گاهی سکوت و سکون را به آرامش گورستانی تشبیه می‌کنند و حتی برخی برای آرام شدن و گریز از دنیای زندگان به گورستان روی می‌آورند؛ اما قشرهایی از جامعه هستند که آرامش در این مکان برای‌شان بی‌معنی است و درواقع ناآرامی قبرستان به حرفه آنان معنا می‌دهد.

ایرنا: شغل‌شان توأم با ناله و ضجه مهنوعاشان است و روزانه ده‌ها بار با مرگ، رویدادی که اغلب انسان‌ها از آن واهمه دارند روبه‌رو می‌شوند و از زنده‌ها نیز گلایه‌های بسیاری دارند و به قول یکی از این افراد، مرده که ترس ندارد بلکه زبان و نگاه بسیاری از زنده‌هاست که ترسناک است. اهالی و کارکنان قبرستان از نگاه‌ها و حرف‌های آدم‌ها دل‌آزرده هستند و از بعضی رفتارها نیز گلایه دارند.

به‌قول‌معروف شغل‌شان شریف است و نان حلال به دست می‌آورند؛ اما بسیاری از مردم به آنها با نگاهی توأم با ترس و اکراه می‌نگرند و سعی می‌کنند در برخورد و مراودات اجتماعی از آنها فاصله بگیرند.

نگرش ناصحیح در مورد غسل و به‌قول‌معروف مرده‌شور در ضرب‌المثل‌های عامیانه نیز خود را نشان داده است و برای اغلب انسان‌ها شاید موضوع بااهمیتی نباشد؛ اما برای خود غسل‌ها در طول زندگی این رفتارها تأثیرات مخرب و منفی بر روح و روان، اطرافی‌ان و حیات آنها می‌گذارد.

گفته یکی از غسلان می‌تواند میزان سختی کارشان را توصیف کند. او می‌گوید: اگر همراهان میت ما را کتک هم بزنند باید آرامش خودمان را حفظ کنیم و به آنها حق بدهیم.

آنها هوای مردم را دارند، مردم هم هوای آنان را دارند؟

این قشر به قول خودشان هوای مردم را خوب دارند و می‌دانند که کار آنها خاص است و اگر کسی به آنها تندلی کرد به روی خودشان نمی‌آورند؛ زیرا در زمانی انسان‌ها با آنها کار دارند که عزیزی ازدست‌داده‌دانی ولی آیا جامعه نیز هوای آنها را دارد و به این قشر با دید منفی نمی‌نگرد؟

اگر از زاویه دید غسل‌ها به این موضوع نگاه کنیم، درخواستیم یافت که آنها با تمام این ناله و زاری‌ها خو گرفته‌اند و قبرستان و میت برای آنها برعکس تمام مردم صرفاً تلخ نیست؛ بلکه شغل آن‌ها، راه کسب درآمد و منبع تأمین مایحتاج زندگی‌شان به‌حساب می‌آید.

برای پی بردن به نحوه کار و جنبه‌های مختلف این حرفه، خبرنگار ایرنا ساعاتی را پای درد دل و صحبت‌های اهالی دارالرحمه شیراز (قبرستان شیراز) نشست و غسل‌ها و تدفین‌کننده‌های میت از سختی کار خود و تبعات آن بر زندگی شخصی‌شان سخن گفتند.

سرتان حسایی شلوع است

یکی از تدفین‌کننده‌های دارالرحمه شیراز به خبرنگار ایرنا می‌گوید که روزانه در این محل حدود ۲۰ مرده خاک می‌شود و حسایی سرتان شلوع است. مدام گوش‌ی تلفن همراهش زنگ می‌خورد و یکی از همکارانش او را برای تدفین میتی به قطعه ۲۹ فرامی‌خواند، او را در طول مسیر همراهی کردم تا بیشتر حرف‌هایش را بشنوم.

رحیم جوکار می‌گوید که از پدرش که این‌کاره است و همکارانش آموخته که در این محل باید مردم را درک کرد چون همه کسانی که به این محل می‌آیند عزیزی را ازدست‌داده و شرایط روحی و روانی مساعدی ندارند و ممکن است حتی سر آنها داد هم بزنند.

جوکار اضافه کرد: اگر همراهان میت ما را کتک هم بزنند باید آرامش خودمان را حفظ کنیم و به آنها حق بدهیم.

او که می‌گوید که پدر، برادر و دامادشان نیز در قسمت‌های مختلف دارالرحمه مشغول کار هستند. جوکار گفت: از گذشته به همراه پدر و دامادمان به این محل می‌آمدم و کم‌کم‌شان می‌کردم و تقریباً از دوران نوجوانی با این شغل بزرگ شده‌ام اما کمتر از یک ماه است که به‌طور دائم در دارالرحمه شیراز مشغول به کار هستم.

از او درخصوص آداب دفن میت سؤال شد که گفت: کسی که فوت شده باید به بغل و روبه‌قبله خوابانده شود و صورت نیز از کفن خارج و کمی بالاتر از بدن قرار می‌گیرد و زیر سر آن گل ریخته می‌شود.

جوکار ادامه داد: بعدازانجام این مراحل یک روحانی تلقین میت را می‌خواند و ما نیز شانه‌های آن را تکان می‌دهیم و بعدازآن شش پل بتنی روی میت قرارگرفته و پلاستیکی روی آن کشیده و گل روی آن می‌ریزیم و درنهایت با سیمان و گچ‌کنشان می‌کردم و پوشانده می‌شود که حیواناتی مانند سمور و گورکن نتوانند وارد آن شوند. صحبت‌های رحیم که به اینجا رسید به قطعه ۲۹ رسیدیم و او مشغول تدفین یک میت شد، کار او حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

بعد از اتمام کارش دوباره با او به سمت قطعه ۱۳ همراه شدم تا در آنجا نیز

آگهی

پیرو آگهی منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه رسول زارعی که مجهول‌المکان می باشد ابلاغ می شود به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۲۶۳۰۰۵۹۳ در پرونده کلاسه ۹۶۰۴۵۲ شعبه سوم شورای حل اختلاف بخش چنارشاھبجان محکوم به پرداخت مبلغ پنجاه میلیون ریال به انضمام هزینه دادرسی ۳۲۲۰۰۰۰ ریال و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه لغایت یوم الوصول درحق خواهان و پرداخت مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ ریال در حق دولت طرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارد.ب نسبت به اجرای مفاد اجراییه اقدام ننماید. در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۷/۱۶۳۶

دفتر شعبه سوم شورای حل اختلاف بخش چنارشاھبجان

آگهی اھضار متمم <p>نظر به اینکه آقای علی آزدری فرزند عطاء به اتهام ترک اتفاق موضوع شکایت مریم نوروزپور فرزند محمدحسین از طرف این دادسرا در پرونده کلاسه ۹۷/۱۰۵۶/ب شعبه دوم بازپرسی دادسرای گازرون تحت تعقیب می باشد و ابلاغ اوراق اھضاریه بواسطه نامعلوم بودن محل اقامت او میسر نگردید بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲، مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف مهلت یک ماه از انتشار این آگهی به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام اتنسابی در شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان گازرون حاضر شود. در غیر اینصورت بازپرس شعبه پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می نماید. ۷/۱۶۳۷</p> <p>دفتر شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان گازرون</p>
--

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۷۰۰۷۰۲۸۳۶ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان پهبان تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی خانم پروین کریمی فرزند سیدعلی به شناسنامه شماره ۲۲۴ صادره از پهبهان به شماره ملی ۱۸۶۱۰۴۳۰۰۷ در شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹۶۰ اصلی وادی و در بخش یک پهبهان خریداری از مالک رسمی محمدصادق کریمی محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و یا از اخذ رسید عرضحال طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۸۸۹۰ الف /۸/۵۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳

۲۸/۸/۱۳۹۷ رئیس ثبت پهبان

جهانبخش اسفندیاری نیا – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز